

امنیت ملی انسجام روش های سیاسی و حفظ منافع ملی در کشور امنیت ملی حافظ اتحاد، حاکمیت، استقلال و دفاع از تمامیت ارضی است:

آقای رحمت الله نبیل که تا اکنون به حیث سرپرست ریاست امنیت ملی اجرای وظیفه میکرد از جانب پارلمان با ۲۰۸ رای موافق به حیث رئیس امنیت ملی انتخاب شد که فکر میشود زیادترین رای در طول تاریخ ولسی جرگه بود. گرچه در مورد تاریخچه زندگی، درجه تحصیلات مسلکی آقای رحمت الله نبیل معلومات مؤثق موجود نیست ولی ادعا میشود که ریاست نوپای امنیت ملی تحت رهبری آقای نبیل در این اواخر دست آورد ها و فعالیت های مثبت از خود نشان داده و به گفته بعضی ها شاید امیدوار کننده باشد. و تا اکنون حکومت آقای کرزی یک نهاد مستقل امنیت ملی که هدف آن بدرجه اول توانائی این کشور در مقابل تهدیدات کشورهای خارجی بخصوص پاکستان که برضد منافع ملی ما عمل میکند، نداشته و توجه جدی برای انکشاف امنیت ملی طوری که شاید و باید در گذشته نه شده است. بانیست تذکر داد که امنیت ملی به یک کشور امکانات آنرا میسر میسازد تا با شرایط خاص تهدید های بالقوه و یا بالفعل گروپ های تروریستی داخلی و مداخلات کشورهای خارجی را با امکانات دست داشته خود دفع کند و از نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه ها کشور را در آمان نگهدارد.

از جانب دیگر ما در طول این ده سال جنگ شاهد استیم که قوای ائتلاف مستقر در افغانستان معلومات و اطلاعات استخبارتی خویش را بطور مستقل توسط تجهیزات پیشرفته مانند هواپیماهای بدون سرنشین و همچنان توسط دستگاه جاسوسی (سی آی ای) که ارتباطات محلی را با اشخاص مورد نظر قایم نموده اند و در جمع آوری معلومات استخباراتی برضد فعالیت های تروریستی از ایجننت های خویش استفاده میکنند و افزون بر آن اطلاعات استخباراتی در مورد کشورهای همسایه افغانستان را که در عملیات تروریستی بر ضد قوای ائتلاف بطور مستقیم فعال اند، مانند پاکستان و همچنان از کشورهای سایر منطقه که بطور غیر مستقیم در مداخله با افغانستان دست دارند مانند ایران، روسیه بدست میاورند.

در اوایل ریاست امنیت ملی تحت اداره وزرات دفاع و یا وزرات داخله بود که با یک بودجه حد اقل فعالیت های استخباراتی داشت که آنهم در چوکات فعالیت های دفاعی کشور و همچنان مامورین امنیت ملی تحت اداره وزرات داخله در یک شعبه بنام اداره مبارزه با تروریسم که ساحه فعالیت شان خیلی محدود به مسایل داخلی بود ولی در سطح ملی و منظوقی هیچ مطرح نبودند و امنیت ملی تا چندی قبل یک ارگان و تشکیلات بکلی مستقل نداشت ولی در این اواخر حکومت آقای کرزی بالاخره به اهمیت حیاتی این ارگان استخباراتی پی برد و در صدد آن گردید که امنیت ملی بانیست به حیث یک نهاد بکلی مستقل پایه گزاری و توسعه داده شود. در ابتدا آمریت آنرا آقای امر الله صالح به عهده گرفت که در پیشرفت و توسعه این سازمان خدمات شایسته انجام داد ولی در اثر مخالفت ها و دسته بندی های اعضای اداره سیاسی آقای کرزی از وظیفه اش سبک دوش گردید.

امنیت ملی به حیث یک ساختار و تشکیل مستقل به عنوان یگانه مرکز و محور اساسی و راه گشای اساسی کلی در بعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک نظام دولتی است. امنیت ملی روی کل ساختار های دفاعی و ارزش های استخباراتی کشور و طرز فعالیت و حفظ مدیریت های سیاسی نظارت داشته و در صدر برنامه کاری آن دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور است. فعالیت های سیاسی و ستراتیژی که توسط نهادهای سیاسی تعیین میشود امنیت ملی ضامن تأمین آن میباشد. امنیت ملی ساختاری است که دارای تعهد و محرمیت و حافظ منافع ملی در یک کشور است. جریانات سیاسی در یک کشور نظر به شرایط تغییر میکند، رهبران، مسوولین اداری و سیاسی مانند رؤسای جمهور، وزرا و دیگر نهادهای سیاسی تغییر میکنند ولی کدر استخباراتی کشور که بخشی از اسرار سیاسی کشور را در خود نهفته دارد و پُست های استخباراتی که به اشخاص معین سپرده میشود دراز مدت و نباید سلیقه ائی باشد و نباید توظیف این پُست ها از دیدگاه قومی، زبانی و سمتی تعیین شود بلکه بیشتر این اشخاص از دید وطن پرستی، تعهد و چگونگی کارکردها برای حفظ منافع ملی باشد و مزید بر آن کارکنان امنیت ملی از کمیت و کیفیت کاری برخوردار و یا بهتر بگویم این اشخاص دارای ذکاوت، تیز هوشی و دارای تعلیمات بخصوص مسلکی در بخش امنیتی باشند.

اگر به پس منظر تاریخی استخبارات نظر شود شاهان و حکومتات مطلقه در گذشته ها دارای یک تشکیل بخصوص بنام مخبران دربار ایجاد میکردند و این گروپ صرف برای بقای حکومت امیران و شاهان فعالیت داشتند و برضد مردم و باشندگان که به نوعی مخالف روش های سیاسی شاهان و امیران بودند شناسائی و بعد توسط امیران مستبد به بند کشیده شده و یا اعدام میگرددند.

ریاست استخبارات بشکل گسترده آن در رژیم شاهی در دوره اول صدارت داود خان به فعالیت آغاز نمود و رئیس استخبارات بدون در نظر داشت تعلیم و تجربه مسلکی ولی مورد اعتماد از جانب شخص صدراعظم تعیین میشد و مخبرین ریاست استخبارات به دو گروه دسته بندی شده بودند گروه اول معلومات و اطلاعات استخباراتی را در مورد فعالیت های سیاسی و نظامی پاکستان در سرحدات و حتی داخل پاکستان جمع آوری و به مرکز استخباراتی در کابل میفرستادند. این جاسوسان عموماً در اطراف و نواحی سرحد بین پاکستان و افغانستان زندگی و یک شناخت کلی راجع به زبان و فرهنگ مناطق سرحدی داشتند. گروه دومی مخبران در شهر های بزرگ و مرکز کابل فعالیت مینمود که وظایف مختلف در وزرات خانه ها و نهاد های دولتی داشتند و حتی کارکنان افغان در سفارتخانه ها در کابل ارتباط به ریاست ضبط احوالات داشتند. کارکنان ریاست ضبط احوالات اشخاص مسلکی نبودند و بنا بر ارتباط زبانی، قومی و قبیله گرائی به وظایف مخبری استخدام میشدند. اختناق، ترس و رعب را در بین مردم ایجاد نموده و حتی کسانی که به خارج از کشور سفر مینمودند سوابق شان در ریاست ضبط احوالات تحقیق شده بعداً امر اخذ پاسپورت صادر میشد. مخبران علناً مردم را تهدید و به اذیت و آزار مردم می پرداختند و آزادی فردی محدود می گردید.

کمونستان خلق و پرچم یک تشکیل قوی جاسوسی را به نسخه کی جی بی اتحاد شوروی ایجاد کرده و مختصر بنام "خاد" یاد میشد. اعضای این سازمان دهشت افکن از اشخاصی تعیین میشدند که عضویت حزب خلق و یا پرچم را داشتند و این ابله جاری های کم سواد و بی خرد جنایت کاران حرفوی بودند که روش های تروریستی و زادیستی را در برابر مردم بی گناه انجام می دادند. به تعداد زیاد اشخاص منور، تحصیل کرده ها بخصوص کسانی که به کشورهای غرب تحصیل نموده بودند، اشخاص معروف و معزز کشور، روحانیون، زمینداران و سرمایه داران کشور را به بهانه های مختلف تحت تعقیب قرار داده و شبانه این اشخاص را از خانه های شان به زندان پل چرخ انتقال و این انسان های بی گناه را بطور دسته جمعی اعدام مینمودند. وقتیکه که رژیم خلق و پرچم از هم پاشید جاسوسان خلقی و پرچمی از کشور فرا ر نموده ابتدا در کشورهای کمونستی و بعد تعداد زیاد این جنایت کاران به کشورهای اروپائی فرار نموده و اکنون با تغییر نام زندگی میکنند. اینها از چکیده های کشورهای سرمایه داری تغذیه میشوند و وظیفه هر افغان است که این جنایت کاران را در کشورهای اروپائی، کانادا و استرالیا جستجو و شناسائی کرده، از راه های قانونی تقاضا کنند که این اشخاص به افغانستان دیپورت شده و محاکمه شوند.

ریاست نو تشکیل امنیت ملی کشور وظیفه ایمانی و وجدانی دارد که به گذشته های روش سازمان های استخباراتی کشور رجوع نموده و رویی جنایات، خیانت ملی آدمکشی اذیت و آزاری را که جاسوسان و مخبرین در رژیم دوره های مختلف در برابر وطنداران بی گناه ما مرتکب شده اند بکلی خط بطلان کشیده و یک سازمان مدرن امنیت ملی که اعضای آن جوانان تحصیل کرده، مسلکی باشد. هدف این اداره باید در قدم اول حفظ منافع ملی بوده و در چوکات اصول و ارزش های ملی شکل گرفته، جلب حمایت و رضایت مردم را بدنبال داشته باشد. نظام سیاسی کشور را برای دستیابی و رسیدن به اهداف ملی موفق تر سازد و بانیست توان آنر پیدا کند که فعالیت های مخرب جاسوسی را که دستگاه استخباراتی پاکستان در افغانستان براه انداخته بتدریج دفع و اشخاصی را که با دستگاه جاسوسی پاکستان، ایران و کشورهای دیگر ارتباط دارند شناسائی و دست شان را از فعالیت های سیاسی کوتاه گردد.

پایان